WWW.INN.IR

ایران ورزشی

۲۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران ■ سال بیست و چهارم ■ یکشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ ■ Apr 25 - 2021 ■ ۱۲ رمضان ۱۴۴۲ ■ شماره ۶۷۴۴

2411200075790003 6260757900037

درخشش ۱۰۲ کیلویی‌های جوان وزنه‌برداری در تاشکند

معتمدی اسطوره قطری‌ها را مات کرد

صفحه ۴

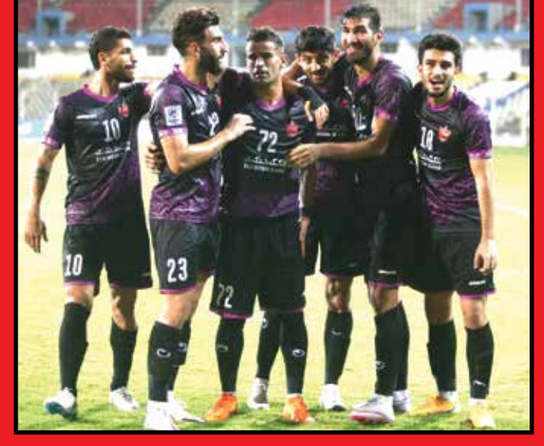

گزارش خیابانی داغ‌تر از برد پرسپولیس

گل عیسی را ندید، گوارا در نقشه جابه‌جا کرد!

صفحه ۷

آزار کودک استقلالی خشم پرسپولیسی‌ها را هم برانگیخت

ماجرای پسر آبی

نیروی هوایی عراق صفر – تراکتوریک

النصر عربستان ۲ – فولاد صفر

خودزنی فولادی‌ها

صفحه ۳

انصاری‌فرد، دومین گلزن لیگ یونان

خیمنز از جان کریم چه می‌خواهد؟

صفحه ۶

حاشیه باعث از دست رفتن نیمکت ولزشد

دیوانه‌بازی‌های گیگز

صفحه ۵

فینال جام اتحادیه انگلیس
منچسترسیتی - تاتنهام؛ساعت ۲۰:۰۰

آیا قهرمانی بدون مورینیو در راه است؟

صفحه ۵

بدشانسی و خستگی، گرفتاری‌های فولاد در ریاض

کلید صعود در شکست تیم ژاوی است

سرمقاله
آرمن ساروخانیان ■

فولاد در بازی دوم مقابل النصر عربستان برای اولین بار در آسیا شکست خورد و به رده سوم گروه D سقوط کرد تا صعودش از این گروه سخت به خطر بیفتد. فولاد که در بازی اول با النصر به تساوی رسیده بود این بار هم می‌توانست بازنده نباشد، ولی اشتباه مهران موسوی در قلب دفاع که پاس بلندش توسط حمدالله قطع شد و النصر را به گل اول رساند، سرنوشت این بازی نزدیک را تغییر داد.

پیش از شروع لیگ قهرمانان امید زیادی به موفقیت فولاد در سخت‌ترین گروه غرب آسیا وجود نداشت، ولی این تیم با وجود این شکست دو بر صفر نمایشی فراتر از انتظار داشته است. تیم نکونام در هر دو بازی دور رفت مقابل السد و النصر پیش افتاد و فرصت داشت به سه امتیاز برسد. بدشانسی بزرگ فولاد در بازی با شاگردان ژاوی بود که گل تساوی را در لحظات آخر دریافت کرد. فولاد با این شکست پنج امتیازی ماند و بعد از النصر (۸ امتیاز) و السد (۷ امتیاز) در رده سوم گروه ایستاده. با این شرایط آنها در بازی فرداشب مقابل السد باید برای برد به زمین بروند. البته فولاد در صورت تساوی هم حذف نمی‌شود، ولی سرنوشت دیگر در دست خودش نخواهد بود و به نتیجه بازی النصر - السد در روز آخر بستگی خواهد داشت.

النصر و السد با داشتن ملی‌پوشان عربستانی و قطری و همچنین بازیکنان خارجی مشهور روی کاغذ برتری مشهودی دارند، ولی فولاد بازی‌های هماهنگ و پرفشارش توانسته پا به پای این دو رقیب بجنگد. فولاد یکی از موفقترین تیم‌های لیگ در پرسینگ است و این مهمترین ابزار تاکتیکی نکونام برای مقابله با حریفان محسوب می‌شود. همین روش بازی کمک کرد که آنها در لیگ قهرمانان هم بخش زیادی از توان تهاجمی حریفان را بگیرند و بازی‌ها را طوری پیش بردند که خودشان می‌خواستند.

بازیکنان فولاد به محض از دست دادن توپ حریف را تحت فشار قرار می‌گذارند و اجازه نمی‌دهند که روند طبیعی بازیسازی آنها طی شود. در بازی با النصر هم این اتفاق بارها رخ داد و بازیکن صاحب توپ حریف در محاصره سه بازیکن فولاد راهی جز لو دادن توپ نداشت. با این حال این سبک بازی انرژی زیادی می‌طلبد و در تورنمنتی که بازی‌هایش هر سه روز یک بار است، توان بازیکنان را تحلیل می‌برد.

نکونام در این چهار بازی تلاش کرده که با سیستم چرخشی و استفاده از هر پنج تعویض مانع خستگی بازیکنانش شود، ولی دست او روی نیمکت به اندازه مربیان استقلال و پرسپولیس باز نیست. فولاد به دلیل پنجره بسته نتوانست تیمش را تقویت کند و در مسابقات سطح بالای لیگ قهرمانان فاصله بازیکنان اصلی و ذخیره‌های این تیم بیشتر به چشم آمد. فولاد پیش از ورود به مرحله گروهی در پلی آف با العین بازی کرد و فشار آن بازی را هم باید در خستگی بازیکنان در نظر گرفت. در واقع بازی فردا با السد ششمین بازی متوالی فولاد به فاصله سه یا چهار روز است و همین خستگی مهمترین دلیل اشتباهات وافت بازیکنان محسوب می‌شود. همچنین نباید فراموش کرد که این تیم صالح حردانی را هم به دلیل ابتلا به کرونا از دست داد.

با این حال فولاد هنوز می‌تواند در دو بازی باقی مانده ورق را برگرداند و از این گروه سخت صعود کند. بازیکنان این تیم انگیزه زیادی برای موفقیت در آسیا دارند و بعد از نمایش خوب مقابل السد در بازی اول باور دارند که تیم ژاوی شکست‌ناپذیر نیست. بازی فردا برای شاگردان نکونام حکم فینال را دارد و در صورت شکست السد می‌توانند رتبه دوم را پس بگیرند. با در نظر گرفتن بازی آسان روز آخر مقابل تیم حذف شده و تحلیل رفته الوحدات، بردن تیم ژاوی کلید صعود فولاد است. برای نکونام که در بازی اول نتوانست رقیب سابقش در لالیگا را شکست دهد، تسلیم کردن کاپیتان سابق بارسا لذت مضاعفی خواهد داشت و راه صعود تیمش را هموار می‌کند.

تنزل قباحت کودک آزاری به کری‌های هواداری

یادداشت
فرشاد کاس‌نژاد ■ @Farshadcasnejad

شاید کمتر چیزی را تباه‌تر و سیاه‌تر از کودک آزاری بشناسیم. رفتاری شنیع که هیچ بحث و اما و اگر باقی نمی‌گذارد. زننده است، قبیح است، آنچنان که خون را به جوش می‌آورد.

این ویدیو که بازنشر آن باعث شرم است و موجب حیرت، نه به فوتبال مربوط است و نه به هواداری. پرسپولیسی بودن یا نبودن آن کودک آزار حتی گوشه‌ای از بحث درباره این ویدیو نیست. او می‌توانست هوادار هر تیمی باشد و در آن نقش تنفربرانگیز، کودکی را بیازارد. هواداری از پرسپولیس و استقلال و ملوان و تراکتور و نفت آبادان و هر تیم دیگر، نیک و مفرح است، رفتاری توأم با شور و عشق است. اما چیزی نمی‌شناسیم که بسان کودک آزاری تباه باشد.

پس بس کنید این نفرت را که میان هواداران مجازی استقلال و پرسپولیس موج می‌زند و نشانی از تعلق خاطر به فوتبال و باشگاه را باقی نگذاشته است. بس کنید و بی‌اعتنا باشید به این نفرت دست‌سازی که پراکنده شده و فراگرفته، تمام شور و عشق به فوتبال را فراگرفته و جز سیاهی، چیزی از آن به جا نگذاشته است.

خود را از این ورطه هولناک پر از نفرت بیرون بکشید. تمام جلوه‌های فوتبال، تمام جام‌ها و کری‌ها و تفریح آن، تمام شور و عشق کذایی آن، تمام موفقیت‌های مضحکش به یک دم ناخوشی آن نازنین پسرک نمی‌ارزد.

تنزل اتفاقی هولناک مثل کودک آزاری به بحث‌های طرفداری مایه خجالت است. کودک آزاری مسأله‌ای نیست که درباره‌اش بحث را به هواداری بکشید و مقابل هم صف‌آرایی کنید. واکنش به چنین اتفاق تلخی یکسره باید انسانی باشد، نه اینکه بحث اصلی فراموش شود و کری‌های هواداری دربگیرد. کری خواندن در این موضوع، مایه شرمساری است.

اما چند نکته دیگر نیز بعد از انتشار آن ویدیو جلب توجه کرد. اول اینکه باشگاه استقلال نباید برای عکس پروفایل اکانت‌های رسمی‌اش، تصویر آزار آن کودک را انتخاب می‌کرد. انتشار تصویر کودکی که مورد آزار قرار گرفته، رفتاری در جهت ادامه کودک آزاری است. کودک مورد آزار باید در فضایی امن و بدون آنکه هویتش جار زده شود، مورد محبت شما باشد، نه با تبلیغ مجازی. رسانه‌ها نیز بارها با بازنشر ویدیو یا بازنشر تصویر آن کودک فراموش کرده‌اند که امنیت روانی آن کودک از کلیک سایت بسیار مهم‌تر است.

افشین پیروانی یا دیگرانی شبیه او نیز واکنش‌هایی را نشان داده‌اند که انگار به حقوق یک کودک مورد آزار بی‌توجه‌اند و پی کری‌های هواداری را گرفته‌اند. این هشداردهنده است که مسئولان یک باشگاه تا این اندازه به مسائلی بدیهی و انسانی بی‌توجه باشند. شما در باشگاهی مسئولیت دارید که بازیکنان نوجوان نیز در آن تشکیلات فعالیت حرفه‌ای ورزشی دارند. آیا تا این اندازه از مسئولیت‌های خود مقابل آنها بی‌خبر هستید؟ این حجم از بی‌مسئولیتی می‌تواند منجر به اخراج هر کسی در هر سمتی شود.

کودک آزاری اتفاقی نیست که فقط در همین ویدیو و همین یک بار رخ داده باشد. این یک جریان است که اتفاقاً در ورزش و فضاهای ورزشی نیز نمونه‌هایش کم شمار نیست. باشگاه‌ها باید در مقابل چنین اتفاقاتی فوق العاده حساس باشند و واکنش‌هایی دقیق داشته باشند.

آیا فوتبال برای نسل جدید محبوب است؟

یادداشت
رسول مجیدی ■ @Rasoulmajidi

سوپرلیگ حالا تمام شده است. حتی اگر فلورنتینو پرز هم حاضر نباشد مرگ سوپرلیگ را علنی اعلام کند اما همه می‌دانند که فعلاً خبری از تغییراتی به این حد افراطی در فوتبال اروپا نخواهد بود اما چیزی که از جنگ و دعوای هفته پیش بین سران سوپرلیگ و سران یوفا، بین باشگاه‌های اسپانیایی - ایتالیایی و آلمانی‌ها دستگیرمان شد این است که در سطح اول فوتبال جهان دارد روی آینده مطالعه می‌شود. دارد آینده‌پژوهی می‌شود و نگاه مدیران نه فقط به مسائل جاری که حتی چند دهه بعد است.

پرز فردای اعلام تأسیس سوپرلیگ؛ ایده‌ای که خیلی زود نافرجام ماند، در یک برنامه تلویزیونی گفت: «فوتبال هم مثل زندگی آدم‌ها باید پیشرفت کند و نسبت به زمانی که در آن هستیم تغییر کند؛ مثل تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی و چیزهای دیگر. در حال حاضر فوتبال در حال از دست دادن ارزش خود است و کرونا ضربه بزرگی به همه ما زد. فوتبال یک ورزش جهانی است و در حال حاضر بسیاری از جوان‌ها علاقه‌ای به فوتبال ندارند چون این ورزش در حال از دست دادن جذابیتش است و به همین دلیل باید تغییراتی ایجاد شود.»

حرف‌های پرز البته می‌تواند فقط پوششی برای حرص و طمعش برای به دست آوردن درآمدهای جدید قلمداد شود اما مسأله‌ای است که مورد توجه برخی از متفکران و نویسنده‌ها هم قرار گرفته است. مثلاً دن روان، گزارشگر بی‌بی‌سی یکی از دلایل تأسیس سوپرلیگ را همین می‌دانست: «بنا بر اطلاعات یک منبع آگاه، برخی از باشگاه‌های سوپرلیگ اعتقاد دارند هواداران سنتی، طرفداری را به صورت ارث و میراث از خانواده خود به دست آورده‌اند و توجه آنها باید به «طرفداران آینده» باشد. طرفدارانی که به دنبال اسم سوپراستارهای بزرگ هستند».

آیا جوان‌ها به فوتبال علاقه ندارند؟ دست‌کم برای من که چند سال است مجری یک برنامه کاملاً فوتبالی هستم و با مخاطبان «لذت فوتبال» در اینستاگرام و توییتر ارتباط دارم، اینطور نیست. بیشتر مخاطبان ما را نسل جوان تشکیل می‌دهند. نوجوانان. بر اساس آمار رسمی مرکز تحقیقات صداوسیما هم چیزی حدود یک سوم نوجوان‌های کشور بیننده شبکه ورزش هستند که بیشتر برنامه‌هایش فوتبالی ست و این نشان می‌دهد نسل جدید همچنان فوتبال را جذاب می‌داند.

اما مشخص نیست میزان محبوبیت این رشته در بین نسل جوان فعلی و نسل‌های قبلی چه میزان است. بله هنوز فوتبال جذاب‌ترین و محبوب‌ترین است اما آیا نسبت به قبل جوانان کمتری به سمت آن کشیده می‌شوند یا نه؟ این سوالی ست که در اروپا مدیران از خود می‌پرسند.

برکسی پوشیده نیست که در دهه‌های گذشته فرهنگ هواداری تغییر کرده. وقتی دیوید بکام - که روزگاری سمبل منچستریونایتد و سوپراستار بودن در حوزه فوتبال بود - به رئال مادرید رفت، کمتر کسی بود که بگوید «خب از حالا من طرفدار رئال مادرید هستم!» اما وقتی رونالدو چند سال پیش از رئال مادرید به یوونتوس رفت، بسیاری از نسل جوان لباس‌های بیانکونری را جانشین رئال مادرید کردند و طرفدار تیم ایتالیایی شدند. آنها طرفدار رونالدو بودند و از اعلام آن هم ترس و واهمه‌ای نداشتند.

این دقیقاً شاید همان چیزی باشد که پرز و شرکا دست رویش گذاشته‌اند. اینکه نسل جدید طور دیگری فوتبال می‌بیند و جو حاکم بر فرهنگ زمانه باعث شده تا او بیشتر دنبال برندها باشد تا مکتب‌های فوتبالی.

مشکل کم شدن علاقه نسل جدید به فوتبال در آینده البته از زوایای دیگری هم مورد توجه است. بخصوص در آلمان که همیشه تمام ورزشگاه‌ها مملو از جمعیت است و هیچ وقت صندلی خالی وجود ندارد - البته قبل از دوران همه‌گیری کرونا - و حالا گزارش‌ها حاکی از کم شدن تعداد طرفداران در آینده دارد. بخصوص با فرمت جدید لیگ قهرمانان که گرچه به تند و تیزی سوپرلیگ نیست اما چیزی حدود ۱۰۰ بازی به مجموع بازی‌های فصل اضافه می‌کند و تیم‌های بزرگ از سال ۲۰۲۴ دست کم باید ۴ بازی بیشتر در این جام انجام دهند.

مطمئناً مدیران اقتصادی از این تغییرات استقبال می‌کنند. تعداد بازی‌های بیشتر یعنی حق پخش تلویزیونی بیشتر. یعنی بازی‌های خانگی و فروش بلیت بیشتر اما شاید این مسأله در بلند مدت نسل جدید را از فوتبال دور کند.

در آلمان هنوز طبقه کارگر بیشترین تعداد تماشاچیان هر بازی را تشکیل می‌دهد. سایت دویچه‌وله چندی پیش در گزارشی نوشت که بازی‌های بیشتر باعث می‌شود تا نسل جوان این طبقه به مشکل بخورند. آنها باید روزهای بیشتری از کارشان بزنند و مرخصی رد کنند و از آن سمت پول بیشتری هم برای هواداری از تیم‌شان کنار بگذارند. تازه این در صورتی ست که آنها صاحب شغل و حرفه باشند. آن دسته از هواداران جوان‌تری که هنوز سر کار نرفته‌اند بیشتر از قبل برای خرید بلیت دچار مشکل می‌شوند.

به غیر از مسائل مالی، بحث زمان هم برای طرفداران نسل جدید مطرح است. بخصوص برای آن دسته از هواداران فوتبالی که به کانادا یا آمریکا مهاجرت کرده‌اند و بازی‌های عصر و شب اروپا به وقت آنها صبح زود برگزار می‌شود و باید از خواب و زندگی روزانه خود بزنند. بازی‌های بیشتر یعنی بی‌خوابی بیشتر و همه اینها باعث از دست رفتن نسل جوان و محصل می‌شود.

خلاصه اینکه بحث آینده‌پژوهی در فوتبال اروپا این روزها جدی‌تر از همیشه است. آیا نسل نوجوان فعلی در آینده به اندازه نسل‌های قبلی‌اش فوتبالی خواهد ماند و محبوبیت این رشته را همچنان تضمین می‌کند؟ آیا حق با پرز است که می‌گوید با این وضعیت فوتبال در آینده طرفدار فعلی را نخواهد داشت؟ اینها سوالات مهمی ست که کاش روزی مورد توجه مدیران فوتبال ایران هم قرار بگیرد.